

The Theoretical Foundations of Islamic Resistance by Looking at Islamic Internationalism

Hamid Nassaj

Corresponding Author, Associate Professor in Political Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran. h.nassaj@ase.ui.ac.ir

Mahnaz Goodarzi

Associate Professor in International Relations, Isfahan (Khoorasgan) Islamic Azad University, Isfahan, Iran. m.goodarzi@khuisf.ac.ir

Yadullah Goodarzi Taghanaki

Ph.D. student, Isfahan (Khoorasgan) Islamic Azad University, Isfahan, Iran. goodarzi6131@gmail.com

Abstract

Creating a new way of resistance against the system of domination, the discourse of Islamic resistance that is a reproduction of the Iranians' culture of resistance against domestic despotism and global arrogance has made profound changes in the geopolitics of the Middle East and caused serious challenges for regional forces balance through threatening the interest of the West and Zionism in the region. It has practically turned into a powerful mechanism to fight arrogant politics in the region. Analyzing the theoretical foundations of the discourse was the main purpose of the present study. Other purposes of this study were to investigate the theoretical capacities of the discourse in realizing Islamic internationalism, provide an accurate analysis of Shia geopolitics, and investigate the role of the Islamic Republic of Iran in leading the Islamic resistance. According to Laclau and Mouffe's theoretical capacities and discourse analysis theory in analyzing the political concepts, this theory was selected as the theoretical framework and data analysis tool in this thesis. Based on the results, the discourse of Islamic resistance has the capacity to be hegemonic at the international level especially in West Asia and the Middle

East, due to its various theoretical and practical capacities. It is expected to provide the grounds to form an Islamic internationalism and unified nation based on the principles of original Revolutionary Islam through developing the intellectual foundations and expanding the geographical area.

Keywords: Islamic Resistance, Islamic Internationalism, Shiite Crescent, Discourse Theoretical Foundations



مبانی نظری مقاومت اسلامی با نگاهی بر انترناسیونالیسم اسلامی^۱

حمید نساج

نویسنده مسئول، دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران h.nassaj@ase.ui.ac.ir

مهناز گودرزی

دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
m.goodarzi@khuisf.ac.ir

یدالله گودرزی طاقانکی

دانشجوی دوره دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
goodarzi6131@gmail.com

چکیده

گفتمان محور مقاومت اسلامی که بازتولید فرهنگ مقاومت ملت ایران در برابر استبداد داخلی و استکبار جهانی است با ابداع شیوه نوینی از مقاومت، منافع غرب و صهیونیسم جهانی را در منطقه خاورمیانه مورد تهدید قرار داده و با ایجاد چالش در توازن قوای منطقه‌ای عملاً به مکانیزم قدرتمندی جهت مقابله با سیاست‌های استکباری در منطقه تبدیل شده است. تحلیل مبانی نظری حاکم بر این گفتمان، مهم‌ترین هدف این پژوهش است. بررسی قابلیت‌های گفتمان در تحقق انترناسیونالیسم اسلامی، ارائه تحلیلی دقیق از ژئوپلیتیک شیعه و بررسی نقش جمهوری اسلامی ایران در هدایت محور مقاومت اسلامی از دیگر اهدافی است که در پژوهش دنبال می‌شود. نظریه و روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه با توجه به قابلیت‌هایی که در تحلیل مفاهیم سیاسی دارد، به‌عنوان چارچوب نظری، روش تحقیق و ابزار تحلیل داده‌های مقاله انتخاب شده است. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش گفتمان محور، مقاومت اسلامی از قابلیت‌های لازم جهت هم‌مون شدن در جهان اسلام برخوردار است و انتظار می‌رود با توسعه مبانی فکری و بسط حوزه جغرافیایی، زمینه تشکیل امت واحده اسلامی و انترناسیونالیسم اسلامی را بر مبنای اصول اسلام اصیل انقلابی فراهم کند.

واژه‌های کلیدی: محور مقاومت اسلامی، انترناسیونالیسم اسلامی، هلال شیعی، مبانی نظری

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۲/۱۴ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۶/۰۴ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۶/۱۷

فصلنامه راهبرد، دوره ۳۰، شماره ۹۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۹۹-۳۳۲

مقدمه

مقاومت یکی از مفاهیم متداول در علوم انسانی است که امروزه از جایگاه ویژه‌ای در جامعه‌شناسی سیاسی برخوردار شده است. جان فوران^۱ مؤلف کتاب تاریخ تحولات اجتماعی ایران: مقاومت شکننده، از تنش به‌عنوان هسته مرکزی مقاومت یاد کرده و اذعان می‌دارد: تنش‌ها به‌صورت یک‌رشته اعتراض‌ها، شورش‌ها، انقلاب‌ها، جنبش‌های جدایی‌خواهانه و کودتاها رخ نموده و سرچشمه آن‌ها در مقاومتی است که بخش‌های گوناگون جامعه در برابر واقعیت‌های سلطه خارجی و خودکامگی دولتی نشان داده‌اند (فوران، ۱۳۸۵، ص. ۱۹).

کاستلز^۲ (۱۳۸۰) در تبیین مفهوم مقاومت از ظهور پدیده‌ای به نام هویت‌های مقاوم^۳ پرده برداشته و از بنیادگرایی اسلامی به‌عنوان یکی از مصادیق مقاومت یاد می‌کند. مقاومت در ارتباط تنگاتنگ با مفهوم قدرت است؛ این ارتباط را می‌توان در سنتی‌ترین تا مدرن‌ترین وجوه قدرت مشاهده کرد. در چهره پسامدرنیستی قدرت که در افکار اندیشمندانی چون فوکو^۴ مشهود است، تأکید بر همزیستی قدرت و مقاومت است و قدرت به‌تنهایی مفهومی ندارد و شرط وجود قدرت، داشتن رابطه مستمر با مبارزه، مقاومت و آزادی است؛ هرچا نافرمانی و مقاومت پایان یابد، رابطه قدرت هم، پایان می‌پذیرد (دریفوس، هربرت، ۱۳۷۶، ص. ۲۶).

تحلیل مبانی نظری حاکم بر مقاومت اسلامی با نگاهی بر اترناسیونالیسم

-
1. John Foran
 2. Manuel Castells
 3. Resistant identities
 4. Michel Foucault

اسلامی مهم‌ترین هدفی است که در این پژوهش دنبال می‌شود. هرچند در کنار این هدف کلی، به اهداف فرعی‌تری از جمله تحلیل اهداف راهبردی جمهوری اسلامی ایران در عضویت و رهبری محور مقاومت اسلامی، ایران نیز توجه شده است. مهم‌ترین سؤالی که در این پژوهش مطرح شده است، پرسش از چیستی ارتباط مبانی نظری حاکم بر محور مقاومت اسلامی با هژمون‌شدن گفتمان محور مقاومت اسلامی در منطقه خاورمیانه و غرب آسیاست. در طراحی فرضیه پژوهش، تأثیرگذاری مبانی نظری محور مقاومت اسلامی بر هژمون‌شدن گفتمان مقاومت اسلامی و شکل‌گیری انترناسیونالیسم اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. مهم‌ترین مشکلی که این پژوهش به دنبال حل آن است، ارائه راه‌حلی مناسب برای حل مسئله تفرقه و انشقاق در جهان اسلام است. تفرقه و انشقاقی که ریشه در سلطه تاریخی گفتمان لیبرال دموکراسی و مسیحیت صهیونیستی از یک‌سو و گفتمان سلفی تکفیری و اسلام سکولار از سوی دیگر دارد.

۱. ادبیات پژوهش

۱-۱. پژوهش‌های داخلی

آقایان رسولی ثانی‌آبادی و روستایی (۱۳۹۸) در مقاله موازنه تهدید و اتحاد اعراب و اسرائیل در برابر محور مقاومت، به بررسی چرایی اتحاد اعراب و اسرائیل در مقابل محور مقاومت اسلامی علی‌رغم عدم اشتراکات ایدئولوژیک پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که براساس نظریه توازن تهدید استفان والف تهدید مشترک محور مقاومت اسلامی عامل ائتلاف اردوگاه عربی - عبری در منطقه خاورمیانه است.

آقای کریمی (۱۳۹۶) در مقاله «نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت‌بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت اسلامی» به بررسی نقش جمهوری اسلامی ایران در شکل‌گیری محور مقاومت با بهره‌گیری از مکتب امنیتی کپنهاک^۱ پرداخته و نتیجه‌گیری کرده است که بخش غالبی از هویت مجموعه امنیتی محور مقاومت اسلامی تحت تأثیر منابع هویت‌بخشی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است.

آقای داوند و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله تأثیر انقلاب اسلامی بر هندسه قدرت مقاومت اسلامی در غرب آسیا به این نتیجه رسیده‌اند که جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از مبانی مادی، نهادی و مولد قدرت خویش توانسته است هندسه مقاومت در غرب آسیا را تحت تأثیر قرار دهد.

۲-۱. پژوهش‌های خارجی

آقای الحسینی (2016)^۱ در مقاله قدرت نرم در خاورمیانه: انفجار نامرئی، ضمن احصای مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه، به این نتیجه رسیده است که جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از قدرت نرم، موفق به سازمان‌دهی شبکه‌ای از متحدان منطقه‌ای در قالب محور مقاومت اسلامی شده و با طرح شعارهایی چون حمایت از فلسطین جای پای در بین اعراب باز کرده است. ارسلان (2015)^۲ در مقاله «از محور مقاومت به هلال شیعی» ضمن بررسی تحولات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال محور مقاومت اسلامی به این نتیجه رسیده است که جمهوری اسلامی ایران که در آغاز سیاست تأمین امنیت خود در منطقه را دنبال می‌کرد؛ امروزه به‌عنوان رهبر منطقه‌ای، بدون نگرانی‌های امنیتی، عمل می‌کند و از محور مقاومت به سمت تشکیل هلال شیعی عبور کرده است.

دوران و ییلماز (2013)^۳ در مقاله «اسلام، مدل‌ها و خاورمیانه جدید» ضمن معرفی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مدل‌های قدرت در منطقه خاورمیانه به این نتیجه رسیده‌اند که جمهوری اسلامی ایران از نقش رهبری در محور مقاومت اسلامی برخوردار است و اگرچه موفق به صدور انقلاب خود به کشورهای اسلامی نشده است اما سایر جنبش‌های اسلامی تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند.

علی‌رغم پژوهش‌های خوب انجام شده در موضوع محور مقاومت اسلامی،

1. fadi Elhousseini

2. Arslan, MuhteremNaz

3. Burhanettin Duran& Nuh yilmaz

کمتر با نگاه هستی‌شناسانه و گفتمانی به موضوع مقاومت پرداخته شده است و مفهوم محور مقاومت اسلامی غالباً در چارچوب نظریات روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفته است و جنبه نو بودن این پژوهش همین نگاه هستی‌شناسانه و گفتمانی به موضوع است.

۲. چارچوب نظری و روش تحقیق

باتوجه به جامعیت نظریه گفتمان لاکلا و موفه^۱ در انجام تحقیقات کیفی، این نظریه به‌عنوان چارچوب نظری و ابزار تحلیل داده‌های رساله انتخاب شده است.

۲-۱. روش تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان یکی از پرکاربردترین روش‌های تحقیق کیفی است که هدف اصلی آن ارائه تکنیک‌هایی جهت کشف معانی نهفته در متون است. اصطلاح تحلیل گفتمان برای اولین بار در سال ۱۹۵۲ توسط زبان‌شناس انگلیسی، زلیک هریس^۲ استفاده شده است (بهرامپور، شعبانعلی، ۱۳۷۹، ص. ۸).

به اعتقاد ساعی (۱۳۸۶) در روش تحلیل گفتمان که در واقع یک روش تحلیل کیفی است، تحلیل‌گر در بررسی متون از متن فراتر می‌رود و وارد بافت یا زمینه متن می‌شود. فرایند پژوهش از سطح نظری آغاز می‌شود و در مرحله گردآوری داده‌ها به‌جای پرسش از فرد، از متن پرسش می‌شود؛ در این روش، واحد مشاهده متن است و علاوه بر کشف رابطه متن و فرامتن نوعی از نقد اجتماعی نیز نهفته است که یکی از دلایل آن درهم‌تنیدگی گفتمان با «قدرت» و «ایدئولوژی» است.

۲-۲. نظریه و روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه

قابلیت‌های نظریه گفتمان لاکلا و موفه با به‌کارگیری مفاهیمی چون مفصل‌بندی به‌دست آمده است. مفصل‌بندی کنشی است که میان عناصر مختلف مانند مفاهیم، نمادها، رفتارها و... چنان رابطه‌ای ایجاد می‌کند که هویت اولیه آنها دگرگون شده، هویتی جدید بیابند. از این‌رو هویت یک گفتمان در اثر رابطه‌ای که از طریق عمل

1. Erenso Laclau & Chantal Mouffe

2. Zellig Harris

مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون به‌وجودمی‌آید، شکل می‌گیرد (تاجیک، ۱۳۸۳، ص. ۶۷). آنچه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه را از سایر نظریه‌های گفتمانی متمایز می‌کند، تسری گفتمان از حوزه فرهنگ و فلسفه به جامعه و سیاست است (حسینی زاده، نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی، ۱۳۸۳، ص. ۱۹۴)؛ لذا باتوجه به اهداف و ماهیت موضوع پژوهش، این نظریه می‌تواند پاسخگوی نیاز نظری این پژوهش باشد.

نظریه گفتمان لاکلا و موفه از مفاهیمی چون مفصل‌بندی، دال و مدلول، عنصر، وقته، حوزه گفتمان‌گونگی، ضدیت و غیریت، هژمونی و تثبیت معنا، قدرت، امکانیت، بی‌قراری، وجه اسطوره‌ای و استعاره‌ی تشکیل شده است، ویژگی مفاهیم یادشده آن است که به شکلی خاص، به‌صورت زنجیروار با یکدیگر مرتبطند. فهم هر مفهوم ما را به شناخت مفاهیم بعدی رهنمون می‌شود، ضمن اینکه برخی مفاهیم اصلی چند مفهوم دیگر را دربرمی‌گیرند و این مفاهیم، زیرمجموعه مفاهیم اصلی هستند (کسرای و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸، ص. ۳۴۳).

دال‌ها درواقع اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معانی خاص دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند، مدلول نامیده می‌شود. مدلول نشانه‌ای است که ما با دیدن آن، دال موردنظر برایمان معنا می‌شود (ناظمی اردکانی & خالدیان، ۱۳۹۷، ص. ۶۳). دال مرکزی نشانه‌ای است که دیگر نشانه‌ها در پیوند با آن معنا می‌یابند، مانند لیبرال دموکراسی که دال‌هایی چون انتخابات آزاد، آزادی‌بیان و مشارکت سیاسی در پیوند با آن به معنایی ویژه دست می‌یابند (حسینی زاده، اسلام سیاسی در ایران، ۱۳۸۶، ص. ۲۰).

غیریت و خصومت در نظریه لاکلا و موفه به امکانی و موقتی و تصادفی بودن نهایی پدیده‌ها و گفتمان‌ها اشاره دارد. خصومت همواره وجود یک گفتمان را تهدید می‌کند و آن را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد پس همه گفتمان‌ها خصلتی امکانی و موقتی دارند و هیچ‌گاه تثبیت نمی‌شوند (ناظمی اردکانی & خالدیان، ۱۳۹۷، ص. ۶۵). از سوی دیگر، این تضاد به‌رغم نظریه مارکس همیشه

خصلتی ویرانگر ندارد و می‌تواند سازنده هم باشد (مقدمی، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۳).

۳. یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش حول پنج محور بررسی ژئوپلیتیک محور مقاومت اسلامی، عوامل هم‌گرایی و واگرایی در محور مقاومت اسلامی، گفتمان محور مقاومت اسلامی و مفهوم انترناسیونالیسم اسلامی، جمهوری اسلامی ایران و رهبری محور مقاومت اسلامی و بالاخره تحلیل گفتمان محور مقاومت اسلامی براساس نظریه و روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه سامان‌دهی شده‌است.

۳-۱. ژئوپلیتیک محور مقاومت اسلامی

ژئوپلیتیک را می‌توان مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست تعریف نمود (حافظ نیا، ۱۳۷۹، ص. ۸۵). اندیشمندان ژئوپلیتیک را به دو دسته کلی سنتی و انتقادی تقسیم نموده‌اند. ژئوپلیتیک در تعریف سنتی خود، به نقش عوامل جغرافیایی به‌ویژه موقعیت کشورها در روابط بین‌الملل توجه خاص دارد (میرحیدر، ۱۳۸۶، ص. ۳۷). در ژئوپلیتیک انتقادی علاوه بر دولت‌ها؛ احزاب، گروه‌ها، شرکت‌های چندملیتی، گروه‌های تروریستی، سازمان‌های بین‌المللی و... نیز ایفای نقش می‌نمایند. مهم‌ترین ویژگی ژئوپلیتیک انتقادی، گفتمانی‌بودن و برخورداری آن از عنصر مقاومت و مبارزه است (قاسمی، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۳)؛ بنابراین ژئوپلیتیک محور مقاومت اسلامی در حوزه ژئوپلیتیک انتقادی قابل‌بررسی است. با توجه به عجین‌بودن محور مقاومت اسلامی با مفهوم شیعه، ژئوپلیتیک محور مقاومت اسلامی را می‌توان ذیل مفهوم ژئوپلیتیک شیعه مورد بررسی قرار داد. شیعیان یکی از پراکنده‌ترین مذاهب حال حاضر جهان هستند. پراکندگی شیعیان، هم از نظر تاریخی و هم از نظر دلالت‌های فرهنگی و سیاسی، از اهمیت بسیارزادی برخوردار است (ضرغامی، شوشتری، & انصاری زاده، ۱۳۹۳، ص. ۲۰۰). شکل جغرافیایی استقرار شیعیان در جهان اسلام و منطقه خاورمیانه بیانگر این است که به‌رغم جمعیت کم شیعیان در خلیج فارس، در قیاس با کل جمعیت مسلمانان، این شیعیان هستند که در مناطق حساس ژئوپلیتیکی جهان

اسلام قرار گرفته‌اند و کشور ایران به‌مثابه کانون جغرافیایی و ژئوپلیتیکی شیعیان جهان، هم از لحاظ عینی و هم از لحاظ معنایی محوریت اصلی تشیع را به عهده دارد. پراکنش جغرافیایی شیعیان کشورهای عربی نیز وجه دیگری از اهمیت ژئوپلیتیک محور مقاومت اسلامی است. فولر در کتاب «شیعیان عرب، مسلمانان فراموش شده» می‌نویسد: از بعد نظری، شیعیان عرب به کمک ایران می‌توانند بیشترین منافع نفتی خلیج فارس را تحت کنترل کامل خود درآورند (تقی زاده داوری، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۳). بنابراین ژئوپلیتیک محور مقاومت اسلامی به لحاظ اهمیت یافتن ابعاد معنایی به یک ائتلاف ژئوپلیتیکی - ژئوکالچری تبدیل شده، مرزهای جغرافیایی را درنوردیده و کلیه کشورها، احزاب، سازمان‌ها، گروه‌ها و حتی افرادی را که براساس مبانی فکری محور مقاومت اسلامی عمل می‌کنند، در برمی‌گیرد. براین اساس کلیه گروه‌های اسلامی اعم از شیعه یا سنی که به‌نوعی تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته و در راستای اعتلای کلمه الله و تحقق عدالت گام برداشته و سلطه اردوگاه غرب به رهبری آمریکا و اشغالگری رژیم صهیونیستی اسرائیل را برنمی‌تابند و علیه آن مبارزه می‌کنند، جزئی از محور مقاومت اسلامی به حساب می‌آیند.

۳-۲. عوامل هم‌گرایی و واگرایی محور مقاومت اسلامی

محور مقاومت اسلامی به‌عنوان یک گفتمان فرهنگی، اجتماعی و امنیتی، نظامی با یک‌سری عوامل هم‌گرا و هویت‌بخش و یک‌سری عوامل واگرا و تفرقه‌آفرین مواجه است. عوامل هم‌گرا و هویت‌بخش عمدتاً تحت تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته و عوامل واگرا ریشه در هویت‌های مذهبی، قومی، فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی منطقه دارند. از آنجایی که بسیاری از شاخص‌های فرهنگ سیاسی حاکم بر انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران ماهیت هویت‌گرا، عدالت‌جویانه و شالوده‌شکن دارند، توانسته‌اند جنبش‌های اسلامی را در سطح منطقه و جهان تحت تأثیر قرار دهند. به‌عبارت‌دیگر، آرمان‌ها، هنجارها و ارزش‌های هویت‌بخش به انقلاب اسلامی با منشأ اندیشه‌های عاشورایی شیعه به‌عنوان یک گفتمان فراملی نه‌تنها شیعیان و جهان اسلام و امت

مسلمان بلکه کلیه مظلومان و مستضعفان جهان را شامل گردیده و در بین ملت‌های تحت‌ظلم منطقه همانند سوریه، لبنان، فلسطین و عراق به گفتمان غالبی تحت‌عنوان گفتمان مقاومت تبدیل شده‌اند (کریمی، ۱۳۹۶، ص. ۷).

درخصوص عوامل واگرا بیشتر باید به عناصر مذهبی، قومی، نژادی، جغرافیایی، سیاسی و... اشاره کرد. هرچند این عناصر به‌زعم شهید مطهری نقش ثانویه در شکل‌گیری هویت ملت‌ها دارند لکن نظام سلطه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در مفاهیم یادشده فرصت هرگونه هم‌گرایی و ایجاد اتحاد در ملت‌های تحت ستم را از بین می‌برد. سناریوی ساختگی هلال شیعی دقیقاً در راستای بهره‌گیری از همین عوامل در به انزوا کشاندن محور مقاومت اسلامی است. طراحان این سناریو معتقدند که هلال شیعی، هلالی است که از جبل عامل شروع شده و پس از درنوردیدن بین‌النهرین و سواحل خلیج فارس، به‌ویژه مناطق نفت‌خیز شرق عربستان سعودی و فلات ایران، تا قلب کوه‌های خراسان بزرگ ادامه می‌یابد (جمالی، ۱۳۸۶، ص. ۱۴). آنان از شکل‌گیری یک خاورمیانه جدید، حول محور شکاف شیعه و سنی خبر می‌دهند. به نظر می‌رسد هدف از طرح هلال شیعی ایجاد نزاع منطقه‌ای و شکل‌دادن به یک درگیری با ویژگی‌های نژادی، قومی و دینی است (جمالی، ۱۳۸۶، ص. ۱۱). علی‌رغم تلاش‌های دشمنان در تقویت عوامل واگرایی و ایجاد انشقاق در محور مقاومت اسلامی، جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر وحدت شیعه و سنی، تقریب مذاهب اسلامی و نفی فرقه‌گرایی مذهبی، درصدد وحدت ملت‌های مسلمان برآمده و تحقق «پروژه امت‌سازی» را تعقیب می‌کند (ناظمی اردکانی & خالدیان، ۱۳۹۷، ص. ۸۲). البته با توجه به نفوذ گسترده اسلام سلفی و وجود قرائت‌های مختلف از مفهوم وحدت اسلامی در بین علما و اندیشمندان مسلمان و اختلاف نگاه حاکمان و مردم به مفهوم وحدت در جوامع اسلامی، راه بسیار دشواری در پیش‌روی اعضای محور مقاومت اسلامی است.

۳-۳. گفتمان مقاومت اسلامی و مفهوم انترناسیونالیسم اسلامی

ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم مفاهیمی هستند که در پاسخ به نیاز جوامع انسانی در طول تاریخ شکل گرفته‌اند و هرکدام سهمی در برآوردن حوایج بشری داشته‌اند.

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد ناسیونالیسم و ملی‌گرایی قبل از انترناسیونالیسم شکل گرفته و انترناسیونالیسم در واقع پاسخی به ضعف ناسیونالیسم در تأمین صلح و امنیت جهانی است؛ انترناسیونالیسم در ساده‌ترین وجهش، نماینده این طرز تفکر است که می‌گوید ما جزئی از اجتماعی پهناورتر از ملت و کشور هستیم و باید باشیم ... انترناسیونالیسم را می‌توان تحت سه عنوان کلی دسته‌بندی کرد؛ نخست انترناسیونالیسم لیبرال که با طرز تفکری خوش‌بینانه بر این باور است که جوامع و افراد مستقل از طریق کنش متقابل و همکاری افزون‌تر، به سمت مقصدهای مشترک که از همه مهم‌تر صلح و سعادت همگانی است، حرکت می‌کنند ... دوم انترناسیونالیسم سلطه‌جو، بر این باور است که یکپارچگی دنیا در حال وقوع است اما تحت شرایطی بی‌تناسب و نابرابر و همین روند تنها راه ممکن و به‌راستی مطلوب برای تحقق چنین وحدتی خواهد بود ... و سوم انترناسیونالیسم انقلابی یا رادیکال که تأکید بر طبقات زیر ستم دارد ... (هالیدی، ۱۳۶۷، ص. ۱۱-۱۳).

برخلاف ناسیونالیسم که بر معیارهای قومی، زبانی، جغرافیایی، نژادی و... تأکید دارد، انترناسیونالیسم با تأکید بر معیارهای فوق ملی، دایره‌تعلقات انسانی را توسعه بخشیده و بر امکان همکاری بین ملت‌های همگن و همسو تأکید می‌کند. به همین دلیل در اسلام به جای ناسیونالیسم بر انترناسیونالیسم تأکید می‌شود. انترناسیونالیسم اسلامی یا حکومت جهانی اسلام برخلاف نحله‌های مختلف انترناسیونالیسم، ریشه در پیدایش ادیان الهی و آسمانی دارد و در واقع منادی وحدت جهانی و امت واحده ادیان الهی است (غروی‌ان & قوامیان، ۱۳۸۰، ص. ۱۰۹). گفتمان محور مقاومت با تأکید بر مشترکات دین مبین اسلام و با کم‌رنگ جلوه‌دادن تفاوت‌های قومی، زبانی و نژادی در جغرافیای اسلام درصدد استقرار انترناسیونالیسم اسلامی با حضور و مشارکت کلیه ملت مسلمان تحت سلطه است.

۳-۴. جمهوری اسلامی ایران و رهبری محور مقاومت اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران تحولات عمیقی در سطح منطقه خاورمیانه، غرب آسیا و جهان اسلام ایجاد شد. این تحولات عمیق را در سطح کلان در چهار بخش کلی می‌توان خلاصه کرد: اول، احیای اعتبار مجدد اسلام به‌مثابه مکتبی اجتماعی و

سیاسی؛ دوم، الگوشدن اسلام سیاسی و تشیع به عنوان ارائه‌دهنده نظام حکومتی و مطرح شدن آن در سطح بین‌المللی؛ سوم، احیا و ظهور مجدد نهضت‌های اسلامی و انقلابی و چهارم، طرح اندیشه اتحاد جهان اسلام (امت‌گرایی) که نوعی بازبینی در رابطه جهان اسلام و غرب است (حشمت زاده، ۱۳۸۴، ص. ۲۲۷). به عبارت دیگر انقلاب اسلامی ایران، ساختار سیاسی، نحوه توزیع قدرت و بازیگران روابط بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داد و باعث تقویت و ظهور بازیگران جدید غیردولتی (جنبش‌ها و ملت‌ها) شد (رضاپور، ۱۳۹۳، ص. ۱۴۱). شاید مهم‌ترین پیامد انقلاب اسلامی ایران را بتوان چالش در برابر هژمونیک‌گرایی و سلطه جهان غرب بر مناطق پیرامونی دانست (داوند محمد. اسلامی محسن، داوندحجت، ۱۳۹۷، ص. ۸۴). با توجه به اینکه کانون الهام‌بخش فرهنگ مقاومت اسلامی در خاورمیانه، نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و فرهنگ منبعث از آموزه‌های مبارزاتی شیعه است؛ از این رو، تقویت گفتمان مقاومت اسلامی در خاورمیانه در واقع، تقویت نظام جمهوری اسلامی و مرزهای تأثیرگذار فرهنگی انقلاب اسلامی است (ناظمی اردکانی & خالدیان، ۱۳۹۷، ص. ۶۲).

۳-۵. تحلیل گفتمان محور مقاومت اسلامی براساس نظریه و روش تحلیل

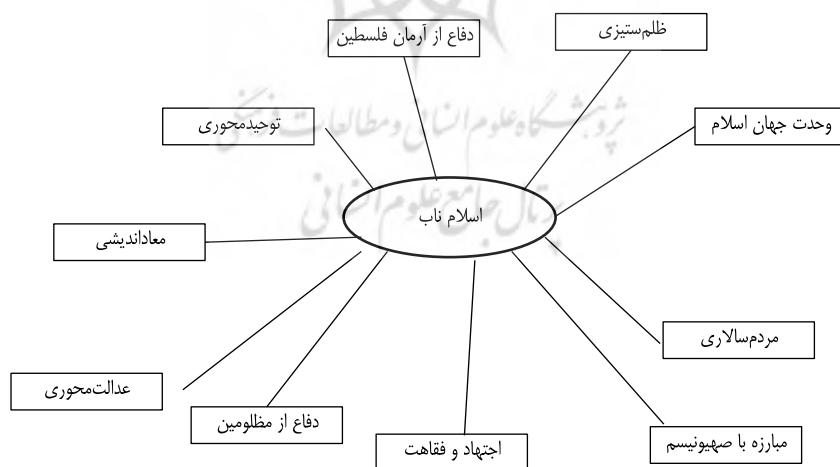
گفتمان لاکلا و موفه

قبل از تحلیل عناصر گفتمان مقاومت اسلامی براساس نظریه و روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه باید به تبیین جایگاه گفتمان مقاومت اسلامی در بین گفتمان‌های اسلامی پردازیم. برخی صاحب‌نظران معتقدند: اسلام سیاسی عنوانی کلی برای جریان‌های سیاسی و فکری متعددی است که در جهان اسلام حضور دارند و احیاناً با عناوینی متفاوت و گاه متضاد از آنان نام برده می‌شود. محققان جنبش‌های اسلامی در بیان این پدیده از مفاهیمی چون بنیادگرایی، بیداری اسلامی، رادیکالیسم، اسلام‌گرایی و ... استفاده کرده‌اند. درکل، به نظر می‌رسد در بین واژگان موجود، دال‌هایی چون اسلام‌گرایی و اسلام سیاسی، واژگان مناسب‌تری برای توصیف و نام‌گذاری کلان‌جریان اسلامی معاصر هستند (بهرروز لک‌غ.، ۱۳۸۶، ص. ۲). گفتمان مقاومت اسلامی به‌عنوان یک زیرگفتمان در

ابراگفتمان اسلام سیاسی مبتنی بر اسلام فقاهتی است. اسلام سیاسی فقاهتی مبتنی بر اندیشه‌های امام خمینی (ره) است و بر ولایت فقیه، فقه و روحانیت به‌عنوان مفسرین اصلی شریعت تأکید می‌کند. در اسلام سیاسی فقاهتی، علم فقه به‌دلیل نقشی که در شناخت قانون‌های دینی دارد و همچنین فقها به‌عنوان کارشناسان معتبر دینی از جایگاه بلندی برخوردارند. روحانیت در این گفتمان تنها مفسران معتبر شریعت به‌شمار می‌آیند و اسلام منهای روحانیت، اسلامی بی‌محتوا، انحرافی و... تلقی می‌شود (حسینی زاده، اسلام سیاسی در ایران، ۱۳۸۶، ص. ۲۳۲).

۳-۵-۱. مفصل‌بندی مفاهیم در گفتمان محور مقاومت اسلامی

محور مقاومت اسلامی که تحت تأثیر ارزش‌ها و اصول بنیادین انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته، حول دال مرکزی «اسلام ناب» که از مفاهیم ابداعی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران است با مفاهیمی چون توحیدمحوری، معاداندیشی، عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی، دفاع از مظلومین عالم، مبارزه با سلطه طواغیت، مردم‌سالاری دینی و مبارزه با صهیونیسم به‌عنوان دال‌های پیرامونی مفصل‌بندی شده است.



شکل ۱. مفصل‌بندی گفتمان محور مقاومت اسلامی

منبع: نگارنده

۳-۵-۲. اسلام ناب، دال مرکزی گفتمان محور مقاومت اسلامی

مفهوم اسلام ناب که اولین بار از سوی حضرت امام خمینی (ره) در مقابل مفهوم اسلام آمریکایی مطرح شد، دیدگاه منحصر به فردی است که در دسته بندی های متداول اندیشه های سیاسی اسلام نمی گنجد لکن واجد برخی از شاخصه های نظریه اسلام سیاسی است. امام خمینی (ره) در تبیین ویژگی های اسلام ناب می فرماید: «اسلامی که غرب و در رأس آن آمریکای جهانخوار و شرق و در رأس آن شوروی جنایتکار را به خاک مذلت خواهد نشاند. اسلامی که پرچمداران آن، پابرهنگان و مظلومین و فقرای جهانند و دشمنان آن، ملحدان و کافران و سرمایه داران و پول پرستانند. اسلامی که طرفداران واقعی آن همیشه از مال و قدرت، بی بهره بوده اند و دشمنان حقیقی آن زراندوزان حيله گر و قدرتمداران بازیگر و مقدس نمایان بی هنزند» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص. ج ۲۱ ص ۵۹). مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای در پیامی به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ویژگی های اسلام ناب و تفاوت آن با اسلام آمریکایی را این گونه بیان فرمودند: «در انقلاب اسلامی، اسلام کتاب و سنت، جایگزین اسلام خرافه و بدعت؛ اسلام جهاد و شهادت، جایگزین اسلام قعود و اسارت و ذلت؛ اسلام تعبد و تعقل، جایگزین اسلام التقاط و جهالت؛ اسلام دنیا و آخرت، جایگزین اسلام دنیاپرستی یا رهبانیت؛ اسلام علم و معرفت، جایگزین اسلام تحجر و غفلت؛ اسلام دیانت و سیاست، جایگزین اسلام بی بندوباری و بی تفاوتی؛ اسلام قیام و عمل، جایگزین اسلام بی حالی و افسردگی؛ اسلام فرد و جامعه، جایگزین اسلام تشریفاتی و بی خاصیت؛ اسلام نجات بخش محرومین، جایگزین اسلام بازیچه دست قدرت ها؛ خلاصه اسلام ناب محمدی جایگزین اسلام امریکایی گردید» (امام خامنه ای مدظله العالی، ۱۳۶۹).

۳-۵-۳. مفهوم دال های شناور و تهی در گفتمان محور مقاومت اسلامی

دال های شناور در تحلیل گفتمان لاکلا و موفه مفاهیم و نشانه هایی هستند که از ثبات معنایی خاصی برخوردار نیستند و صحنه جدال بین گفتمانی هستند و

گفتمان‌های مختلف می‌کوشند به روش خود به آنها معنا دهند. به اعتقاد ژاک دریدا، دال‌های شناور در جهان اسلام عامل متنوع‌سازی رفتار استراتژیک در جهان غرب می‌شوند. این تنوع معنایی از یک‌سو بیانگر افزایش انعطاف‌پذیری در جهان اسلام و از سوی دیگر مبین تنوع گفتمانی در جهان غرب و حداکثرسازی انشعابات استراتژیک در رفتار جهان غرب نسبت به نیروهای اسلام‌گراست. نتیجه این تحول معنایی، از بین رفتن نقطه مرکزی در گفتمان اسلام‌گرایی و جایگزین شدن دال‌های شناور به جای دال‌های مرکزی است (قرلسفلی & فرخی، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۸). به عبارت دیگر تنوع معنایی در اردوگاه اسلام از یک‌سو، انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری اسلام در برابر گفتمان غرب و از سوی دیگر تنوع رفتاری غرب نسبت به اسلام را در پی دارد که البته نتیجه عملی این تعامل دوسویه، ایجاد انشقاق در اردوگاه اسلام و دور شدن از وحدت گفتمانی در بین مسلمین جهان است.

برای مثال جهاد به عنوان یک دال شناور در گفتمان مقاومت اسلامی به معنای دفاع از مرزهای اعتقادی و جغرافیایی و ارزشی تعبیر می‌شود در حالی که مفهوم جهاد در گفتمان‌های رقیب و متضاد از جمله گفتمان بنیادگرایی و گفتمان سلفی، به معنای مقابله با کفر تعبیر و تفسیر می‌شود.

دال خالی بیانگر یک خلأ در فضای اجتماعی است و دال‌های خالی دست‌مایه خلق اسطوره‌ها قرار می‌گیرند و مفصل‌بندی گفتمان‌های جدید حول دال خالی موجود در گفتمان بی‌قرار شده، شکل می‌گیرد و وجود دال‌های خالی که نشانی از بی‌قراری‌ها، تقاضاها و بحران‌ها در عرصه سیاسی - اجتماعی است، زمینه را برای شکل‌گیری گفتمان‌های جدید فراهم می‌سازد. اگر گفتمان‌های مسلط بتوانند این خلأها را پرکنند، ادامه حیات خود را تضمین کرده‌اند، در غیر این صورت جای خود را به گفتمان‌های رقیب خواهند داد (کسرای & پوزش شیرازی، ۱۳۸۸، ص. ۳۳۵). دال خالی گفتمان مقاومت اسلامی که مبتنی بر اسلام سیاسی فقهاتی است، رهایی مظلومین عالم از سلطه ستمگران جهان به‌طور عام و رهایی قدس شریف و ملت فلسطین از چنگال صهیونیسم غاصب به‌طور خاص است. حضرت امام خمینی (ره) به عنوان بنیان‌گذار گفتمان مقاومت اسلامی در

جهان معاصر در این خصوص می‌فرمایند: «البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌المللی اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلامی در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم ... ما تصمیم گرفته‌ایم به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی که بر پایه سرمایه‌داری، کمونیسم و صهیونیسم استوار گردیده‌اند را نابود کنیم و نظام اسلامی رسول‌الله را در جهان استکباری ترویج نماییم و دیر یا زود ملت‌های دربند شاهد آن خواهند بود» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص. ۸۱ ج ۲۱).

۳-۵-۴. مفهوم زمان و مکان در گفتمان محور مقاومت اسلامی

زیست اجتماعی گفتمان‌ها صرفاً در ظرف زمان و مکان قابل تصور است و هیچ گفتمانی در خلأ شکل نمی‌گیرد. نظام معنایی گفتمان‌ها در ظرف زمان و مکان متحول می‌شود و هیچ گفتمانی در زمان متوقف نمی‌ماند. زیرا گفتمان‌ها نظام معنایی خود را به گونه‌ای شکل می‌دهند که بتوانند با نظام معنایی متغیر گفتمان رقیب مقابله کنند. در تحلیل گفتمان از حیث بعد زمان و مکان به دو نکته باید توجه کرد؛ نکته اول تحلیل دقیق پیشینه یک دوره تاریخی خاص و نکته دوم زمانی که یک گفتمان در یک جغرافیای خاص فعال می‌شود و به خود نظم می‌گیرد.

بررسی‌های تاریخی قائل به یک سیر تکوینی سه‌مرحله‌ای برای گفتمان مقاومت اسلامی است. در این خط سیر تکوینی سه موج اصلی شناسایی شده است؛ موج اول که در واقع با تولد اصلاح‌گرانی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی، اقبال لاهوری و عبدالرحمن گواکبی آغاز شده، هم‌زمان با آغاز رکود تمدن اسلامی و خروج غرب از قرون وسطی است. مبارزات در این مرحله منحصر به اقدامات فردی و جزیره‌ای است. در موج دوم که غالب کشورهای اسلامی در غرب آسیا و خاورمیانه را در برمی‌گیرد، اسلام سیاسی جایگزین اسلام فردی می‌شود و تقابل بین گفتمان اسلام سیاسی و غربی، رنگ و بوی قهرآمیز به خود می‌گیرد. ظهور رژیم اشغالگر صهیونیستی، ظهور استعمار نو، افول ناسیونالیسم عرب، هژمون شدن سبک زندگی غربی در کشورهای اسلامی و بالاخره پیروزی انقلاب اسلامی ایران

از ویژگی‌ها و رخداد‌های مهم این موج است. در این مرحله، گفتمان مقاومت اسلامی سعی می‌کند از طریق مبارزه با حکومت‌های غیرمردمی و رژیم‌های پیرو غرب زمینه هژمون‌شدن خود را فراهم کند. در موج سوم که مشارکت و جهاد نام گرفته، انقلاب اسلامی ایران در تولد و تحرک سیاسی بسیاری از جنبش‌های اسلامی سیاسی اعم از شیعه یا سنی ایفای نقش کرده و جنبش‌های اسلامی تحت‌تأثیر انقلاب اسلامی ایران مفاهیمی چون جهاد، شهادت و ایثار را به‌عنوان اصول اساسی مبارزه و به‌عنوان تکلیف شرعی پذیرفتند (ناظمی اردکانی & خالدیان، ۱۳۹۷، ص. ۷۰-۷۲). بنابراین گفتمان محور مقاومت اسلامی در تحلیل زمانی و مکانی دربرگیرنده نظام معنایی تحول‌یافته‌ای است که طیف وسیعی از اقدامات فردی تا اقدامات سازمان‌یافته بین‌المللی را در زمان‌ها و مکان‌های مختلف دربرمی‌گیرد.

۳-۵-۵. مفهوم قدرت در گفتمان محور مقاومت اسلامی

برای درک مفهوم قدرت در گفتمان محور مقاومت اسلامی باید به شناخت مؤلفه‌های زبان سیاسی مقاومت پرداخت. زبان سیاسی مقاومت اسلامی دربرگیرنده مجموعه ارزش‌های دینی و نمادهای فرهنگی است که در تولید قدرت در گفتمان محور مقاومت اسلامی ایفای نقش می‌کنند. براساس آیه ۱۶۵ سوره بقره «ان القوه لله جميعاً» خداوند منشأ تمام قدرت‌هاست و هر قدرتی با مشیت الهی شکل می‌گیرد. بنابراین تأکید بر بعد الهی مفهوم قدرت، فصل مشترک نظریه اندیشمندان، فقها و فلاسفه اسلامی در تبیین مفهوم قدرت است. برخلاف آنچه در جهان غرب وجود دارد و سیاست رسالتی جز حفظ قدرت ندارد، اسلام قدرت را امانت می‌داند و صاحب قدرت را امانتدار، وظیفه قدرتمدار آن است که امانت را ملک خود نداند و در نگهداری آن کمال دقت را داشته باشد (حقیقت، ۱۳۷۸، ص. ۲۵۷). کاربست قدرت در اندیشه اسلامی وظیفه‌گرا و متصل است. به این مفهوم که تلاش برای کسب و اعمال قدرت توجیه و ارزش ذاتی ندارد، بلکه در راستای وظیفه مسلمانان برای برپایی حکومت اسلامی و انجام اهداف الهی است (صالحی & مشتاقی، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۳). رهبران انقلاب اسلامی ایران که در واقع رهبری

محور مقاومت اسلامی را نیز از ابتدای شکل‌گیری برعهده داشته‌اند، دیدگاهی خدامحورانه و تقلیل‌گرایانه نسبت به مفهوم قدرت دارند. امام خمینی (ره) به‌عنوان تئوریسین اسلام انقلابی معتقدند: «قدرت خودش کمال است و خدای تبارک و تعالی قادر است» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص. ۱۵۵، ج ۱۳). مقام معظم رهبری نیز در تاریخ ۱۳۸۲/۵/۱۵ در دیدار با کارگزاران نظام فرمودند: «قدرت و ثروت مثل بقیه مواهب زندگی زینت زندگی است» (امام خامنه‌ای مدظله العالی). تئوریسین‌های گفتمان محور مقاومت اسلامی، قدرت ملت‌ها را مهم‌ترین عنصر قدرت مقاومت اسلامی عنوان کرده و بر اتحاد ملل مسلمان جهان برای تحقق آرمان‌های بزرگ اسلامی از جمله آزادی قدس شریف، نابودی اسرائیل غاصب و رهایی مظلومین عالم تأکید کرده‌اند. امام خمینی (ره) در این خصوص می‌فرمایند: «(مسئولین) این کشور را برای دفاع از ارزش‌های اسلام ناب و محرومین و مستضعفین جهان در آمادگی کامل نگه دارند و مبدا توجه به برنامه‌های دیگر موجب غفلت از این امر حیاتی گردد که مطمئناً غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور، طمع تهاجم و تجاوز بیگانگان و نهایتاً تحمیل جنگ‌ها و توطئه‌ها را به دنبال می‌آورد» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص. ۳۵۸، ج ۲۱).

با دقت در این بیان حضرت امام (ره) روشن می‌شود که نگاه ایشان به قدرت، نگاهی فرامرزی و فراملی است و ایشان تقویت قوای مسلحه را نه صرفاً برای صیانت از ایران اسلامی بلکه برای دفاع از ارزش‌های کیان اسلامی و مستضعفین عالم می‌خواهند.

۳-۵-۶. مفهوم غیریت در گفتمان محور مقاومت اسلامی (تحلیل فضای تخصصی)

نخستین قدم در به‌کارگیری تحلیل گفتمانی لاکلا و موفه، شناسایی فضای تخصصی و غیریت‌سازی بین گفتمان‌های مختلف است (بهروز لک غ.، ۱۳۸۵، ص. ۶۱). گفتمان‌ها در فضای تخصصی و غیریت‌سازی است که به اثبات هویت خویش و نفی هویت گفتمان‌های رقیب و متخاصم می‌پردازند. در گفتمان محور مقاومت اسلامی که همان گفتمان اسلام سیاسی - انقلابی است با دو نوع فضای تخصصی درون‌گفتمانی و برون‌گفتمانی مواجهیم. منظور از فضای تخصصی درون‌گفتمانی

مقابله یا رقابت با گفتمان‌هایی است که با سبقه اسلامی و مذهبی شکل گرفته و کلیت یا بخشی از جهان اسلام را تحت‌تأثیر افکار، اندیشه‌ها و رفتار خویش قرار داده‌اند که از آن جمله می‌توان از گفتمان‌های اسلامی سلفی و اسلام سکولار نام برد. منظور از فضای تخصصی برون‌گفتمانی مقابله با گفتمان غربی - صهیونیستی است که درصدد هم‌زمن ساختن تفکر لیبرال دموکراسی و سرمایه‌داری غربی در سراسر جهان است.

۳-۵-۶-۱. فضای تخصصی درون‌گفتمانی

گفتمان اسلام سلفی به‌عنوان اولین غیرگفتمانی در فضای تخصصی درون‌گفتمانی مقاومت اسلامی، به رد مدرنیته و سکولاریسم می‌پردازد و هم‌مسلمانان فاسد خویش را آلت دست کافران می‌نامد و اشکال دموکراتیک و سکولار دولت را که توسط غربی‌ها به کار گرفته شده‌اند، مردود دانسته و بر حاکمیت انحصاری قوانین الهی به‌عنوان تنها شکل مشروع حکومت تأکید کرده و حاکمیت دولت‌ها را نمی‌پذیرد (کرم زادی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۵). این گفتمان سیاسی - مذهبی که ریشه در قرون اولیه اسلام دارد، در طول تاریخ در اشکال مختلف ظاهر گردیده که از آن جمله می‌توان به جریان تکفیری وهابیت، جریان اخوانی، جریان تکفیری - جهادی، جریان القاعده، جریان طالبان و بالاخره جریان داعش اشاره نمود. نص‌گرایی و مخالفت با دخالت عقل در فرایند فهم دین، به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی این گفتمان شمرده می‌شود. همین نص‌گرایی است که آنان را به قرائت ظاهری کنونی‌شان از توحید و سایر باورهای اسلامی رسانده است (هوشنگی & پاکتچی، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۹). بنابراین در گفتمان اسلام سلفی، اسلامی کردن جامعه اصل است و مفاهیم مدرنی همچون دموکراسی، سکولاریسم، حقوق بشر، حضور زن در عرصه عمومی، مشارکت سیاسی مردم و... که همه از مشخصه‌های مدرنیسم است، جایی ندارد (علی حسینی & عربیان، ۱۳۹۵، ص. ۸). چنین گفتمانی به‌خاطر اعتقاد به حقانیت مطلق خود، فضایی برای پرسش و نقد باقی نمی‌گذارد و چون دیگران را مطلقاً باطل دانسته و راه برون‌رفت را در جهاد می‌بیند، امکان گفتگوی سیاسی و اجتماعی و مردم‌سالاری را منتفی دانسته و

مطلوب خود را در جامعه تک‌صدایی می‌بیند (هوشنگی & پاکتچی، ۱۳۹۰، ص. ۴۲۷). گفتمان سلفی وجه ایجابی ندارد و بیشتر یک تفکر سلبی به حساب می‌آید. گفتمان اسلام سکولار که در واقع از سوی مسلمانان میانه‌رو و غیرانقلابی دنبال می‌شود، به شدت تحت تأثیر و حمایت لیبرال دموکراسی غربی است. این گفتمان که با دال‌هایی چون نوگرایی و تجدد؛ جدایی دین از سیاست؛ و اجتهاد تسهیلی مفصل‌بندی شده است، در صدد ایجاد هم‌رنگی بین مبانی اسلامی و ارزش‌های لیبرالیستی است (علی حسینی & عربیان، ۱۳۹۵، ص. ۸). اردوغان به‌عنوان یک دولتمرد سکولار دینی معتقد است: اسلام نمی‌تواند مرجعی برای برنامه‌های سیاسی باشد، بلکه اسلام تنها در سطح شخصی و فردی می‌تواند به یک مرجع تبدیل شود، بنابراین، این اصول دموکراسی و قانون اساسی است که می‌تواند به‌عنوان یک مرجع مورد پذیرش، واقع شود (امام جمعه زاده، رهبر قاضی، & مرندی، ۱۳۹۲، ص. ۵۹). گفتمان اسلام سکولار بر مبنای مصلحت‌اندیشی، منفعت‌طلبی و سازشکاری شکل گرفته و فقط ظاهری از اسلام را مدنظر دارد و نه تنها خطری برای غرب ندارد بلکه در راستای منافع غرب حرکت می‌کند و لیبرال دموکراسی برای اینکه بتواند الهام‌بخشی کرده و از فروپاشی گفتمانی خود ممانعت کند، گفتمان سکولار دینی ترکیه را به‌عنوان الگوی یک کشور مسلمان دموکراتیک و سکولار که متحد استراتژیک اسرائیل، امریکا و غرب است، به ملت‌های منطقه معرفی می‌کند (علی حسینی & عربیان، ۱۳۹۵، ص. ۴).

جدول ۱. مبانی معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی فضای تخصصی درون گفتمانی

شاخص	گفتمان محور مقاومت اسلامی (اسلام سیاسی - انقلابی)	گفتمان اسلام سکولار	گفتمان اسلام سلفی
مبانی معرفت‌شناسی	عقل - نقل - نص - وحی - شهود - فطرت	عقل - نسبییت - انتقاد - شکاکیت، مصلحت‌اندیشی	نقل‌گرایی - مطلق‌نگاری و جزمیت - انکای صرف به قول و فعل سلف صالح
مبانی هستی‌شناسی	توحید	برجسته‌سازی دنیا در مقابل مابعدالطبیعه و غیب	روایت انحصارگرایانه از توحید
مبانی انسان‌شناسی	انسان کامل	انسان حسابگر	روایت انحصارگرایانه از تکلیف انسان در برابر خدا و خلق خدا و طبیعت

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، جزم‌اندیشی گفتمان اسلام سلفی و نفی‌انگاری گفتمان اسلام سکولار، راه تعالی و تفوق اسلام را سد کرده و جایگاه اسلام در هدایت و راهبری بشریت را مورد تردید قرار داده است. این در حالی است که گفتمان مبتنی بر مقاومت با ارائه مدل مردم‌سالار دینی، زمینه تعامل عزتمندانه ملت‌های مسلمان با دیگر ملل جهان را فراهم ساخته و با رعایت قاعده نفی سبیل، زمینه هرگونه سلطه غیرمسلمانان بر امت اسلامی را سد کرده و گروه‌های مختلف اسلامی در چارچوب گفتمان محور مقاومت اسلامی در صدد آن هستند تا از حاشیه به سوی مرکز، تغییر مکان دهند. به عبارت دیگر، مقاومت‌گرایی اسلامی مبنای حرکت به سوی تغییر وضع موجود را فراهم ساخته و این امر به معنای تلاش برای بازسازی هویت ازدست‌رفته است؛ روندی که فقط از طریق مقاومت‌گرایی حاصل می‌شود (قزلسفلی & فرخی، ۱۳۹۲، ص. ۱۵۵).

۳-۵-۶. فضای تخصصی برون‌گفتمانی

همان‌گونه که گفته شد در فضای تخصصی برون‌گفتمانی، محور مقاومت اسلامی با دو نوع غیریت مواجه است؛ نخست غیریت مبتنی بر تفکرات لیبرال - دموکراسی که آمریکا آن را رهبری و هدایت می‌کند و دوم غیریت مبتنی بر اندیشه‌های عبری و صهیونیستی که توسط اسرائیل در منطقه دنبال می‌شود. در مجموع می‌توان صورت‌بندی گفتمانی لیبرال دموکراسی را بر مفاهیمی همچون فردگرایی افراطی، آزادی به معنای عدم وجود محدودیت اجباری در رسیدن به هدف، انسان‌محوری و حاکمیت سرمایه دانست. (رضایی جعفری، آقا حسینی، & علی حسینی، ۱۳۹۵، ص. ۹۳). اگرچه ممکن است لیبرال - دموکراسی با استفاده از امکانات و توانمندی‌های اقتصادی و سیاسی بتواند خود را جهان‌شمول سازد؛ اما در درون این تفکر، نوعی نابرابری وجود دارد که برای بیش‌تر جوامع و فرهنگ‌ها غیرقابل تحمل جلوه می‌کند؛ بنابراین هم به لحاظ نظری و هم از نظر تجربی و عینی، تعمیم لیبرال دموکراسی به جوامع دیگر با مقاومت‌هایی روبه‌رو خواهد شد که تشدید گرایش‌های قومی و ترویج نظریه منطقه‌گرایی و شکل‌گیری جنبش‌های مذهبی، فقط بخشی از واکنش‌ها و مقاومت‌ها در برابر جهانی‌شدن لیبرال دموکراسی

است. افزون بر این، آن گونه که جیمز روزنا^۱ به درستی ابراز می‌دارد دموکراسی لیبرال که بر مبنای حاکمیت ملی و ستفالیایی استوار شده و در چارچوب مرزهای ملی غرب بارور شده است؛ زمانی که به تسری برون‌مرزی روی می‌آورد، دچار بحران می‌گردد (سجادی، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۴). بنابراین گفتمان لیبرال دموکراسی همواره نگاهش جهانی‌سازی است تا جهانی‌شدن، همین موضوع موجب تقویت حس برتری‌جویی و تفوق‌طلبی در آن شده و در پیگیری برنامه‌های جهانی با بحران جدی مواجه شده است.

مسیحیت صهیونیستی به‌عنوان دومین غیر در فضای تخصصی برون‌گفتمانی به مقابله با افکار ضدیهود می‌پردازد و در آموزش مسیحیت بر ریشه‌های یهودی دین مسیح تاکید می‌کند و مسیحی واقعی را دوست جدی اسرائیل غاصب می‌داند و برای مهاجرت یهودیان به فلسطین بسیار می‌کوشند (مظفری، ۱۳۸۶، ص. ۹۳). مسیحیت صهیونیستی معتقد به بازگشت مجدد یهودیان به سرزمین موعود، برگزیدگی قوم یهود، تأدیب و رستگاری یهودیان در سال‌های آوارگی، ابدی‌بودن مالکیت اسرائیل برای یهود و... می‌باشند (مظفری، ۱۳۸۶، ص. ۹۵). به‌همین دلیل حضور اسرائیل در منطقه و حمایت همه‌جانبه غرب از این کشور یکی از سرچشمه‌های مقاومت علیه سلطه‌طلبی آمریکا در میان مسلمانان منطقه بوده است. (سیونک یو & فرجی سبکبار، ۱۳۸۷)

۳-۵-۷. مفهوم برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در گفتمان محور مقاومت اسلامی

برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی سازوکاری است که به‌واسطه آن گفتمان‌ها سعی می‌کنند نقاط قوت خود را برجسته سازند و نقاط ضعف خود را به حاشیه رانده و پنهان کنند و برعکس، نقاط قوت دیگری یا دشمن را به حاشیه برانند و نقاط ضعف آن را برجسته سازند؛ بنابراین، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی سازوکاری برای حفظ و استمرار قدرت است که گفتمان‌ها از آن برای تقویت خود و تضعیف دیگری و به‌عبارت‌دیگر تداوم هژمونی خود بهره می‌گیرند (عرب عامری &

جوادی ارجمند، ۹۵، ص. ۴۴). عدالت‌محوری، مبارزه با صهیونیسم، حمایت از آرمان فلسطین، حمایت از محرومین جهان، مردم‌سالاری دینی و ... از جمله مفاهیمی هستند که در گفتمان محور مقاومت اسلامی برجسته شده و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های تعالی‌بخش اسلام ناب در مقابل مفاهیم گفتمانی گفتمان‌های مخالف و رقیب قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر مفاهیمی چون بی‌عدالتی، سلطه‌جویی، مشروعیت‌بخشی به رژیم صهیونیستی، تفکر دولت یهود، تفکر سلفی تکفیری، تفکر سازش با آمریکا و صهیونیسم، تفکر پایان تاریخ، اندیشه برتری نژادی و ... از جمله مفاهیمی هستند که در گفتمان محور مقاومت اسلامی در حاشیه قرار گرفته‌اند.

۳-۵-۸. مفهوم تفاوت و هم‌ارزی در گفتمان محور مقاومت اسلامی

در تحلیل دو منطق تفاوت و هم‌ارزی، گفتمان محور مقاومت اسلامی در تلاش است تا تفاوت‌های موجود قومی، زبانی، نژادی و جغرافیایی بین اعضا را کمرنگ جلوه داده و با تأکید بر اشتراکات اعتقادی، محور مقاومت اسلامی را یک‌دست و هم‌ارز معرفی کند. علی‌رغم تلاش ائتلاف عبری - آمریکایی برای بالکانیزه کردن و ایجاد هرج و مرج ساختاری در منطقه، محور مقاومت اسلامی در تلاش است با شاخص کردن آرمان مشترک (آزادی قدس شریف) و دشمن مشترک (صهیونیسم بین‌الملل) زمینه وحدت و همدلی آحاد مسلمانان منطقه را فراهم کند. این استراتژی در بیانات مقام معظم رهبری به خوبی مشهود است. مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۴ در دیدار با طلاب در خصوص ضرورت برجسته‌ساختن نقاط اشتراک بین مسلمین و دوری‌جستن از زمینه‌های تفرقه فرمودند: ما به فرقه‌های عالم اسلام نمی‌گوییم از عقاید مخصوص فرقه خود دست بکشید و عقاید فرقه دیگر را قبول کنید؛ اما به همه مسلمین می‌گوییم در میان ما موارد مشترک، بیشتر و مهم‌تر و اساسی‌تر از موارد اختلاف است. دشمنان ما روی موارد اختلاف تکیه می‌کنند؛ ما برعکس باید مواضع مشترک را تقویت کنیم و نگذاریم دشمن بهانه به‌دست‌آورد و با تفرق ما، نقطه فشار روی پیکر امت اسلامی را پیدا کند (امام خامنه‌ای مدظله‌العالی). معظم‌له در تاریخ ۱۳۹۲/۹/۴ در خصوص نگاه فراقومی و

فرامذهبی جمهوری اسلامی ایران در حمایت از جنبش‌های اسلامی در دیدار با شرکت‌کنندگان در کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام فرمودند: «ما اسیر محدودیت‌های مذهبی نشدیم؛ ما نگفتیم این شیعه است، این سنی است ... ما توانستیم مشت برادران فلسطینی‌مان را در غزه و در مناطق دیگر تقویت کنیم و ان شاء الله ادامه خواهیم داد» (امام خامنه‌ای مدظله العالی)؛ بنابراین تأکید بر اشتراکات اعتقادی و پذیرش جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مرکز محور مقاومت اسلامی از جمله عناصر هم‌ارزی و به حاشیه راندن مسائل جغرافیایی، قومی، فرقه‌ای و نژادی از جمله عناصر تفاوت در گفتمان محور مقاومت اسلامی به حساب می‌آیند.

در جمع‌بندی و تجزیه و تحلیل مباحث عنوان‌شده می‌توان اذعان داشت که گفتمان محور مقاومت اسلامی با برخورداری از شاخص‌هایی چون موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیکی و اقتصادی، توان بالای بسیج افکار عمومی در جهان اسلام، بهره‌گیری مناسب از شاخص‌های هم‌گرایی درون‌گفتمانی، الهام‌گیری از مبانی فکری انقلاب اسلامی ایران، توانایی در برجسته‌سازی ضعف‌های ساختاری و راهبردی گفتمان‌های رقیب، از قابلیت‌های لازم به‌منظور تبدیل شدن به یک گفتمان غالب در منطقه خاورمیانه و حتی جهان اسلام برخوردار است.

نتیجه‌گیری

گفتمان محور مقاومت اسلامی که ریشه در گفتمان انقلاب اسلامی ایران دارد با مفصل‌بندی مفاهیم خویش که برگرفته از مبانی اعتقادی و ایمانی است، زمینه هژمون‌ساختن خویش در بین گفتمان‌های مخالف و رقیب را فراهم ساخته است. در تحلیل بسترهای هژمونیک‌شدن گفتمان محور مقاومت اسلامی به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

۱- با توجه به اینکه اسلام سلفی باتکیه بر ظواهر قرآن و سنت، هرگونه گرایش‌های عقلی، فلسفی و کلامی را در حوزه دیانت بر نمی‌تابد و مدعی انحصاری اسلام‌گرایی است و با تکفیر سایر گروه‌های اسلامی و غیراسلامی به اعمال خشونت‌آمیز می‌پردازد (رضایی جعفری، آقا حسینی، & علی حسینی،

۱۳۹۵، ص. ۹۸)؛ لذا مفاهیم گفتمانی آن نمی‌تواند مورد اقبال جوامع جهانی و حتی مسلمانان جهان قرار گیرد کما اینکه سلفی‌ها با ایجاد مرزبندی‌های کاذب اعتقادی زمینه هرگونه تعامل با جوامع غیر هم‌کیش را سد کرده و با برداشت‌های سطحی از احکام اسلامی، بشریت را به مبارزه‌ای بی‌اساس فراخوانده‌اند. درمقابل گفتمان محور مقاومت اسلامی با برخورداری از اصول پیش‌گفته از جمله توحیدمحوری، معاداندیشی، عدالت‌خواهی و... بشریت را به معنویت‌گرایی و اخلاق فراخوانده و با درک عمیق از اصول اسلام زمینه تعامل با جهان را فراهم ساخته است.

۲- اسلام سکولار با نگاه نفی‌انگارانه نسبت به جایگاه دین در جامعه و کوبیدن بر طبل جدایی دین از سیاست و پیروی از لیبرال دموکراسی غربی و همکاری با آمریکا و اسرائیل در موقعیتی انفعالی در برابر سایر گفتمان‌ها قرار گرفته و از استقلال کافی برای هژمون‌ساختن مفاهیم گفتمانی خویش برخوردار نیست، این در حالی است که گفتمان محور مقاومت اسلامی با طرح اسلام سیاسی و اسلام انقلابی و تأکید بر رفع سلطه آمریکا و صهیونیسم و طرح شعار حمایت از مظلومین عالم به‌عنوان یک گفتمان فعال مستقل مطرح شده و مورد اقبال افکار عمومی جهانی قرار گرفته است.

۳- گفتمان لیبرال دموکراسی غربی در درون خود دارای تضادهایی است که آن را با چالش‌های جدی در عصر جهانی شدن مواجه کرده است ... درمقابل گفتمان محور مقاومت اسلامی تحت‌تأثیر مبانی فکری انقلاب اسلامی ایران با ارائه مدل مردم‌سالاری دینی پاسخ‌گوی بسیاری از چالش‌های موجود در گفتمان لیبرال دموکراسی غربی است؛ بنابراین نظام حکومتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی با داشتن ویژگی‌هایی چون مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی، عدالت‌محوری، خدمت‌مداری، مصلحت‌اندیشی و آزادی در چارچوب شرع (ولی زاده، ۱۳۹۴، ص. ۱۲)، زمینه هژمون‌شدن درمقابل گفتمان لیبرال دموکراسی غربی در عصر حاضر را دارد.

۴- گفتمان مسیحیت صهیونیستی نیز بنا به دلایل عقلی و منطقی و به لحاظ

تاریخی از جمله نگاه نژادپرستانه نسبت به سایر انسان‌ها و منطق تجاوز و اشغالگری و برداشت‌های انحرافی در خصوص رسالت خویش در ترسیم آینده جهان از قابلیت‌های لازم جهت هژمون‌شدن برخوردار نیست. این در حالی است که گفتمان محور مقاومت اسلامی با برخورداری از ویژگی‌های فرهنگی منحصر به فرد از جمله توحیدمحوری، عدالت، استکبارستیزی، دفاع از مظلومین عالم و... از ظرفیت‌های لازم جهت هژمون‌شدن و تشکیل انترناسیونالیسم اسلامی برخوردار است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- امام جمعه زاده، سید جواد، رهبر قاضی، محمود رضا و مرندی، زهره (۱۳۹۲). تحول گفتمان هویت در ترکیه از کمالیسم به اسلام گرایی با تاکید بر حزب عدالت و توسعه. *مجله مطالعات جهان اسلام*، شماره ۳، ص. ۴۵-۷۲.
- امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۹)، خرداد (۱۰)، پیام مقام معظم رهبری به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره). بازیابی از www.khamenei.ir
- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۹)، *صحیفه امام* (۲۲ جلد). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- بهرام پور، شعبانعلی (۱۳۷۹)، *در آمدی بر تحلیل گفتمان*. (تاجیک، محمدرضا، تدوین) فرهنگ گفتمان.
- بهروز لک، غلامرضا، (۱۳۸۵) جهانی شدن و سرانجام نزاع گفتمان‌ها. *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۳۶، ص. ۳۵-۷۲
- بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۶)، *جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران*. چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، *گفتمان، یادگفتن و سیاست*، چاپ اول، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- تقی زاده داوری، محمود (۱۳۸۳)، سخنرانی: شیعه و مذاهب دیگر، بررسی حوزه‌های جغرافیایی تعاملی و چالشی. *فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی*، شماره ۸، ص. ۱۶۵-۲۰۰.
- جمالی، جمال (۱۳۸۶)، هلال شیعی و هژمونی آمریکا. *مجله شیعه‌شناسی*، شماره ۲۰، ص. ۷۱-۸۸.
- حافظنیا، محمدرضا، (۱۳۷۹) تعریفی نو از ژئوپلیتیک، *مجله تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۵۸-۵۹، ص. ۷۱-۸۸.
- حسینی زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۳)، نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی. *فصلنامه علوم سیاسی*، ص. ۱۸۱-۲۱۲.
- حسینی زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۶)، *اسلام سیاسی در ایران*، چاپ اول، قم: دانشگاه مفید.
- حشمت زاده، محمدباقر (۱۳۸۴)، مقدمه و چارچوبی برای بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی. *نامه پژوهش*، شماره ۱۲، ص. ۲۱۱-۲۳۴.

- حقیقت، صادق (1378)، *درآمدی بر اندیشه سیاسی (مجموعه مقالات)*، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی، انتشارات الهدی.
- داوند، محمد، اسلامی، محسن و داوند، حجت (۱۳۹۷). تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر هندسه قدرت مقاومت اسلامی در غرب آسیا. *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، شماره ۲۵، ص. ۷۲-۹۹.
- دریفوس، هربرت (۱۳۷۶)، *میشل فوکو: فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک*، چاپ اول، (بشیریه، حسین، مترجم) تهران: نشر نی.
- رسولی‌ثانی‌آبادی، الهام و مجتبی روستایی (1398) موازنه تهدید و اتحاد اعراب و اسرائیل در برابر محور مقاومت، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، ص ۱۱۳-۱۳۴.
- رضاپور، حسین (۱۳۹۳)، تأثیرات انقلاب اسلامی بر نظام بین‌الملل. *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۳۷، ص. ۱۴۱-۱۵۸.
- رضایی‌جعفری، محسن، آقاحسینی، علیرضا و علی حسینی، علی (۱۳۹۵)، گفتمان انقلاب اسلامی ایران، الزامات اشاعه ارزش‌های آن در عصر جهانی‌شدن براساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه. *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، شماره ۲۰، ص. ۸۵-۱۱۰.
- ساعی، علی (۱۳۸۶)، روش تحقیق در علوم اجتماعی با رهیافت عقلانیت انتقادی. تهران: انتشارات سمت.
- سجادی، سیدقیوم (۱۳۸۳)، مهدویت و جهانی‌شدن دو نگاه به آینده. *مجله قیستان*، ص. ۱۲۹-۱۴۲.
- صالحی، سیدجواد، مشتاقی، الله‌کرم (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی مبادی و مبانی قدرت در اندیشه سیاسی غرب و اسلام، مطالعه موردی: اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی. *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، شماره ۸، ص. ۱۲۳-۱۵۰.
- ضرغامی، برزین، شوشتری، سیدمحمدجواد و انصاری‌زاده، سلمان (۱۳۹۳)، ژئوپلیتیک شیعه یا هلال شیعه (مبانی، اهداف و رویکردها). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۱، ص. ۱۹۷-۲۱۴.
- علی حسینی، علی و عربیان، حسین (۱۳۹۵)، ریشه‌یابی بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام با تاکید بر نقش گفتمان سکولار دینی و وهابی - سلفی. *اولین همایش بین‌المللی بحران ژئوپلیتیکی جهان اسلام*. تهران: دبیرخانه همایش. بازیابی از <https://civilica.com/doc/584319>
- غروی‌ان، محسن و قوامیان، شاکر (۱۳۸۰). ملی‌گرایی از دیدگاه اسلام. *مجله معرفت*، شماره ۵۰، ص. ۱۰۴-۱۱۰.
- فوران، جان (۱۳۸۵)، *تاریخ تحولات اجتماعی ایران: مقاومت شکننده*. (احمد تدین، مترجم) تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۶). تأثیرات انقلاب اسلامی بر تحولات جغرافیای سیاسی محور مقاومت در مقابل غرب. *پانزده خرداد*، شماره ۵۱، ص. ۱۴۳-۱۷۶.

- قزلسفلی، محمدتقی و فرخی، سمیه (۱۳۹۲). پارادایم مقاومت و بیداری اسلامی در پرتو تحولات شمال آفریقا و خاورمیانه. *مجله جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، شماره ۲، ص. ۱۳۹-۱۶۰.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (جامعه شبکه‌ای)*. (احدعلی قلیان و افشین خاک‌باز، مترجم) تهران: طرح نو.
- کرم‌زادی، مسلم (۱۳۹۵)، سلفی‌گری جهادی - تکفیری و آینده ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه. *مجله پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، شماره ۱۸، ص. ۱۱۳-۱۴۲.
- کریمی، ابوالفضل (۱۳۹۶)، نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت‌بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت اسلامی. *مجله پژوهش ملل*، شماره ۲، ص. ۱-۱۴.
- کسرابی، محمدسالار و پوزش شیرازی، علی (۱۳۸۸)، نظریه گفت‌وگو لاکلا و موفه ابزار کارآمدی در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی، *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۳، ص. ۳۳۹-۳۶۰.
- مظفری، آیت (۱۳۸۶)، مسیحیت صهیونیستی و آینده جهان. *حصون*، شماره ۱۲، ص. ۱۲-۹۲.
- مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰). نظریه تحلیل گفت‌وگو لاکلا و موفه و نقد آن. *مجله معرفت فرهنگی، اجتماعی* (۲۶)، ص. ۹۱-۱۴۲.
- میرحیدر، دره (۱۳۸۶)، *مفاهیم بنیادی در جغرافیای سیاسی*، چاپ اول. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ناظمی‌اردکانی، مهدی و خالدیان، صفرعلی (۱۳۹۷). مؤلفه‌های فرهنگی گفت‌وگو مقاومت اسلامی در جهان اسلام. *مجله مطالعات جهان اسلام*، شماره ۲۶، ص. ۵۹-۸۶.
- ولی‌زاده، ابوالقاسم (۱۳۹۴)، مقایسه مبانی و شاخص‌های مردم‌سالاری دینی با لیبرال دموکراسی. *کنفرانس ملی آینده‌پژوهی، علوم انسانی و توسعه*. شیراز: مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران. بازیابی از <https://civilica.com/doc/452139>
- هالیدی، فرد (۱۳۶۷)، مفاهیم گوناگون اترناسیونالیسم. *اطلاعات سیاسی، اقتصادی*، شماره ۲۳، ص. ۹-۱۱.
- هوشنگی، حسین و پاکتچی، احمد (۱۳۹۰)، بنیادگرایی و سلفیه: بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی، چاپ اول تهران: دانشگاه امام صادق (ع)
- Arslan, Muhterem Naz. (2015). From "Axis of Resistance" to "Shia Crescent?": Examining the Islamic Republic of IRAN'S Transnational Foreign Policy from 1979 until 2015. *Istanbul: Şehir University*. Retrieved from <http://hdl.handle.net/20.500.12424/2033833>
- Elhousseini, f. (2016). Soft Power in the Middle East: The Invisible Skirmish. *E-International Relations*, 5. Retrieved from www.e-ir.info.
- Yilmaz, N., Duran, B. (2013). Islam, Models and the Middle East: The New Balance of Power following the Arab Spring. *Perceptions: Journal of International Affairs*, 18(4), pp. 139-170.

References

- Alihosseini, Ali; Arabiyan, Hossein. (2016). Etiology of geopolitical Crises of the world of Islam by emphasizing the role of secular religious and Wahhabi-Salafi Discourse. *1st International Conference of Geopolitical Crises of The world of Islam*. Tehran: the secretariat of the conference, available at <http://civilica.com/doc/58431> (In Persian)
- Arslan ,Muhterem Naz. (2015). From “Axis of Resistance” to “Shia Crescent?”: Examining the Islamic Republic of IRAN’S Transnational Foreign Policy from 1979 until 2015. Istanbul: Şehir University. Retrieved from <http://hdl.handle.net/20.500.12424/2033833>
- Bahrampour, Sha'banali. (2000). *An Introduction to Discourse Analysis*. (Edited by Tajik, Mohammadreza) Discourse Analysis (In Persian)
- Behruzlak, Gholamreza. (2006). Globalization and the Result of Discourses Conflict. *Quarterly of Political Sciences*. No. 36, pp. 35-72 (In Persian)
- Behruzlak, Gholamreza. (2007). *Globalization and Political Islam in Iran*. 2nd edit. Tehran: the Research Center for Islamic Culture and Thought (In Persian)
- Castells, Manuel. (2001). *The Age of Information: Economics, Society, and Culture (Network Community)*. (Translated by ALigholiyan, Ahad; Khakbaz, Afshin). Tehran: Tarhe No (In Persian)
- Davand, Mohammad; Davand Mohsen; Davand, Hojjat. (2018). Effects of Islamic Revolution of Iran on the Geometry of Islamic Resistance Power in West Asia. *Quarterly of Political Studies in the World of Islam*. No. 25, pp. 72-99 (In Persian)
- Elhusseini, f. (2016). Soft Power in the Middle East: The Invisible Skirmish. *E-International Relations*, 5. Retrieved from www.e-ir.info.
- Furan, John. (2006). *History of Social Evolution in Iran: Brittle Resistance*.

- (Translated by Tadayon, Ahmad). Tehran: Cultural Services Institute of Rasa (In Persian)
- Ghasemi, Behzad. (2017). Effects of Islamic Revolution on Evolution of Political Geography of Resistance against the West. *15 Khordad*, no. 51, pp. 143-176 (In Persian)
- Gheraviyan, Mohsen; Ghavamiyan, Shaker. (2001). Nationalism from the perspective of Islam. *Journal of Ma'refat*, no. 50, pp. 104-110 (In Persian)
- Ghezelsofla, Mohammadtaghi; Farrokhi, Somaye. (2013). Paradigm of Islamic Resistance and Awakening in the light of Evolutions in the North Africa and the Middle East. *Journal of Political Sociology of the world of Islam*, no. 2, pp. 139-160 (In Persian)
- Hafeznia, Mohammadreza. (2000). New Definition of Geopolitics. *Journal of Geographical Research*. Nos 58-59, pp. 71-88 (In Persian)
- Haghighat, Sadeq. (1999). *An introduction to political thought (collection of articles)*. Tehran: The Center for International Cultural Studies. Alhoda Publication (In Persian)
- Halliday, Fred. (1988). Various Concepts of Internationalism. *Political-economic Information*, no. 23, pp. 9-11 (In Persian)
- Herbert Dryfoos. (1997). *Michel Foucault: beyond structuralism and hermeneutics*, 1st edit, (translated by Bashiriye, Hossein). Tehran: Ney Publication (In Persian)
- Heshmatzade, Mohammad Bagher. (2005). An Introduction and Framework to Study the Effects of Islamic Revolution in Islamic Countries. *Research Letter*, no. 12, pp. 211-234 (In Persian)
- Hosseinizade, Seyed Mohammadali. (2004). Theory of Discourse and Political Analysis. *Quarterly of Political Sciences*. Pp. 181-212 (In Persian)
- Hossenizade, Seyes Mohammadali. (2007). *Political Islam in Iran*. 1st edit. Qom: University of Mofid (In Persian)
- Hushangi, Hossein; Pakatchi, Ahmad. (2011). Fundamentalism and Salafism: Recognizing a range of religious approaches, 1st edit. Tehran: University of Imam Sadeq (PBUH) (In Persian)
- Jamali, Jamal. (2007). Shiite Crescent and American Hegemony. *Journal of Shia Studies*. No. 20, pp. 71-88. (In Persian)
- Jome'zade, Seyed Javad; Rahbarghazi, Mahmoodreza; Marandi, Zohre. (2013).

- Evolution of the Identity Discourse in Turkey from Kemalism to Islamism with an emphasis on the Justice and Development Party. *Journal of the World of Islam Studies*, no. 3, pp. 45-72 (In Persian)
- Karamzadi, Moslem. (2016). Jihadi-Takfiri Salafism and the Future of Political Stability in the Middle East. *Journal of Political Studies of the World of Islam*, no. 18, pp. 113-142 (In Persian)
- Karimi, Abulfazl. (2017). The role of Islamic Republic of Iran in Identifying the Security Collection of the Islamic Resistance. *Journal of Nations Research*, no. 2, pp. 1-14 (In Persian)
- Kasraei, Mohammadsalar; Poozesh Shirzai, Ali. (2009). The discourse theory of Laclau and Mouffe as an efficient tool in understanding and explaining the political phenomena. *Quarterly of Politics, Journal of Faculty of Law and Political Sciences of Tehran University*, no. 3, pp. 339-360 (In Persian)
- Khamenei, Seyed Ali. (31 May 1990). *Message of the Islamic Revolution Supreme Leader on the Occasion of the 1st Anniversary of the Imam Khomeini's Demise*, available at kamenei.ir/www.khamenei.ir (In Persian)
- Khomeini, Ruhollah. (2000). *Imam Khomeini's Sahifa* (22 volumes). Tehran: Institute of Publishing Imam Khomeini's Works (In Persian)
- Mirheydar, Dore. (2007). *Fundamental Concepts in Political Geography*, 1st edit. Tehran: Geographical Organization of the Armed Forces (In Persian)
- Moghaddami, Mohammadtaghi. (2011). Theory of discourse analysis of Laclau and Mouffe and its criticism. *Journal of Social and Cultural Epistemology* (26), pp. 91-142 (In Persian)
- Mozaffari, Ayat. (2007). Zionist Christianity and the future of the world. *Hosun*, no. 12, pp. 12-92 (In Persian)
- Nazemi Ardakani, Mahdi; Khalediyani, Safarali. (2018). Cultural elements of the Islamic resistance discourse in the world of Islam. *Journal of the World of Islam Studies*, no. 26, pp. 59-86 (In Persian)
- Rasool Saniabadi, Elham; Rustaei, Mojtaba. (2019). The Balance of Threat and the Alliance of Arabs and Israel against the Resistance. *Quarterly of the Middle East Studies*, pp. 113-134 (In Persian)
- Rezaei Ja'fari, Mohsen; Aqa Hosseini, Alireza; Alihosseini, Ali. (2016).

- Discourse of Islamic Revolution of Iran, the requirements of dissemination of its values in the age of globalization based on the discourse theory of Laclau and Mouffe. *Quarterly of Strategic Studies of Public Policy-making*, no. 20, pp. 85-110 (In Persian)
- Rezapoor, Hossein. (2014). Effects of the Islamic Revolution on the International System. *Quarterly of Islamic Revolution Studies*, no. 3, pp. 141-158 (In Persian)
- Saei, Ali. (2007). Research Method in Social Sciences with the Approach of Critical Rationalism. Tehran: SAMT publication (In Persian)
- Sajadi, Seyed Ghayum. (2004). Mahdism and Globalization: two perspectives to the future. *Journal of Ghobestan*, pp. 129-142 (In Persian)
- Salehi, Seyed javad; Moghtaghi, Allahkaran. (2013). Comparative study of principles and foundations of power in political thoughts of the West and Islam, case study: Political thoughts of the Islamic Revolution Leaders. *Research Letter of Political Sciences*. No. 8, pp. 123-150 (In Persian)
- Taghizade Davari, Mahmood. (2004). Lecture: Shia and other religions, Study of Interactive and Challenging Geographical Areas. *Specialized Quarterly of Shis Studies*, no. 8, pp. 165-200 (In Persian)
- Tajik, Mohammadreza. (2004). *Discourse, Counter-discourse and Politics*. 1st edit. Tehran: the Institute of Research and Development of Humanities (In Persian)
- Valizade, Abulghasem. (2015). Comparing the foundations and indicators of religious democracy and liberal democracy. *National Conference of Futurology, humanities and development*. Shiraz: The Center for Development of Iran New Education. Available at <http://civilica.com/doc/452139> (In Persian)
- Yilmaz, N.; Duran, B. (2013). Islam, Models and the Middle East: The New Balance of Power following the Arab Spring. *Perceptions: Journal of International Affairs*, 18(4), pp. 139-170.
- Zarghami, Barzin; Shushtari, Seyed Mohammadjavad; Ansarizade, Salman. (2014). Geopolitics of Shiite or Shiite Crescent (foundations, goals, and approaches). *Researches of Human Geography*, no. 1, pp. 197-214 (In Persian)